

Jomhuria Test-texts 1

June 8, 2015

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبایی‌نویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند، نوسا ای انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد. به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید به‌انیم خوشنویس افزودن بر نگارش یک متن. سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از لایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی نماداتی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن. تعادل میان مفید و موزن مصرف بودن از یک سو و بویایی و تفسیر شکل بایستگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملاجمت نام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص- و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند، آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادریده گرفتن نواقض چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رعایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرائتگیری کلمات نیز– یعنی «قرسی»– هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده – که ناممکن بوده‌است – اما به‌شکل «سفینه مطلوبه» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استمناخ قرآن بلکه در اغلب بهکار می‌بردند.[۵] خوشنویسی با خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت نفراقت در این هنر تبحری یافت و خوشنویسی به مانند مشهوری در میان سایر هنرهای بصری ابفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی متعنی و فوس‌دار است.[۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقفه بهشاذی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوطه ششگانه یا اقدم سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، لکث، نسخ، رقاغ و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوطه قواعدی وضع کرد که به اصول دوازدهگانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صمود مجاز، نزول مجاز، اصول، سفا و شان.[۷]

یک قرن بعد از ابن مقفه، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی

درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفه‌آرانی دارد اما بیشتر مریوبه به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقشی‌های تزیینی زیجت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایستقر میرزا بود.[۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار قطعات نظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات امداری ابداع شده و بهکار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و تکران عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور مذهبی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر بهکار می‌برد، اما اوج هنرندایی آنان – بر خلاف خوشنویسان ایرانی– در خط لکث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوطه لکث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم یا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاغ به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالرحی منشی استر ابداع بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی شیرازی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیدشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور مشق‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش عبدالمجید طائفانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی رونق نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کمکان مورد توجه محافل هنری جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۳۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی – ایرانی لکت و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید مجملی ابداع گردید که تاحدق مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان موه‌داد محمدپور اشاره کرد . خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و لکت بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دست ق خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla) ١٩٩٦ : ١٧}. والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معينة، ومنظمة، وماهرة" (Mediavilla) ١٩٩٦ : ١8}. فُصِّمَتِ الكتابةُ هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer ١٩٦٨ : ٤٤١). ويوسف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فريزير و Kwiatkowski ٢٠٠٦ : جوستون ١٩٠٩ : بلايت ٦).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد اللغويي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla ١٩٩٦). يشتق الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد العبري تقليدًا، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء؛ وهي تاريخيا حروف منمنمة ومع ذلك سمة وثقافية ومرتبطة في لحظة الكتابة (بوت ٢٠٠٦ و Zapf ٢٠٠٧ و ٢٠٠٦).

و يستمر الخط العربي في الأذهان في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنو / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والإعلانات / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة لتسليما والتلفزيون. والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والطرقا، وشعرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات

الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمجذوب و الريشة. وهناك المصغرة عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية

الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الغرف، الرسم، الرسم الفني، النحت،المعمار، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وساعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية. بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة.

والمفهوم المتغير. استخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يهود على الشخص الذي يعمل في مجالالفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الأعمال اليدوية والحرفية. أو من يطبق فواربط الفن. وأنه التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الامة. الحركة تتناقض مع المتشربون الذين سخوا لتحبب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابتغالها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين معارسون للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة (الأداء0) أو قابلية: Dm: لتحرير. كاستكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة تلافية الأبعاد.

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو، أقراص مشغولة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، أداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة.

علی سبیل المثال، الشان قد یجمع بین الرسم التقليدي مع الفن الحضائي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتیجة لذلك، تصدیق فن الكمبيوتر بواسطة المنتجها النهائي یمكن أن یكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور فی المتاحف والمعارض الفنية. علی الرغم من أنه لم تثبت شرعیتها بعد، یوسفها شكاً فالما بذاته وهذه التكنولوجيا علی نطاق واسع فی الفن المعاصر لعمیر كأداة أكثر من أنها شكلاً من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.

استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بین الرسامون، المصورون، محررين الصور، النماذج ثلاثية الأبعاد، ولغاتو الحرف البدویة. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورین الصور. قد یصبح المصورین فنانین رقمیین قد یصبح الرسامین صانعو رسوم متحركة. الحرف البدویة قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتولید الصور ككالمب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بین الفنون البصریة ومخططة الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية فی عملية ترقیم صفحات الوثقیة، وخاصة للحرالفیین الذین یشترون للبراعة.

آرٹ

آرٹ ایسے کم یا کماں نوں اکھیا جاند۱ اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاند۱ اے جے اوہ سونیاں لگن۔ آرٹ دی بنی شی کوئی کھانی دسدی اے یا صرف کوئی سونیا سج یا موسوس ہون والا جذبہ۔ انسانیکوویڈیا پرینانیکا آرٹ نوں اینج دسد۱ اے۔" اوہ سونیاں شواں۔ محول۔ یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں نوں وق دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نوں ورتیا گیا یولے۔" ایہجے آرٹ وچ موران (Painting) بنی بنانا(Sculpture)۔ تے فونڈرغرافی آئدے نیں۔ آرکیٹیکچر نوں وق دیکھے جان والے آرٹ وچ گنیا جاند۱ اے پر اویدے وچ اوس شے تے کم لیاا اویدے بنان دا مذہب یولہ۱ اے۔ موسیقی، ٹھین۔ فلم نوں آرٹ نال رکیا جاسکد۱ اے۔

آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایدا بنانا تے ایہنوں دسدا آئدے نیں۔ آرٹ اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسن یا کسے پور تک ایڑان لئی۔ ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے۔ لیو تالسٹائی ایہنوں اک بندے نوں دوجے بندے تک کل ایڑان دا پنھا ول کیند۱ اے۔ مارٹن ہالنگر دی اکھ وچ آرٹ اک ایسا ول اے جیدے راسیں کوئی سکت ایسا آپ دسدی اے۔

تربخ

ویس وٹڈورف

آرٹ دے سب توں پراںے نمونے پتھر ویلے نوں لیدت نیں ویس وٹڈورف 24,000 توں 22,000 م پ دی اک رانی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لئی سی۔ کسکو، فرانس وچ زمین دے اندر غاراں وچوں ۱7,300 ورت پرائیاں جانورن تے انساناں دیاں مورتاں کنداں تے بنیاں ملیاں نیں۔ ایہناں وچ انسان شکار کرد۱ دسیا گیا اے۔ وشکار تے پتھر ویلہ 6000–8000 م پ ننگن تے نیوٹنٹک ویلے 3000–6000 م پ وچ انسان تے والی بیجی تے اک نھاں تے لک کے رینا سکھیا۔ رینگن گنجلیاں یوواں تے مذہب تے وق ماننا پائی تے انسان تے اپنے فیدے لئی ہتھ نال کنی چیزاں بنائیاں سکھیاں تے فیر کانسی ویلے ۱000–3000 م پ وچ پھنیاں انسانی رینگن یونگریاں۔ پراںے مصر پراںے عراق۔ فارس۔ یڑے۔ ریتل۔ چین۔ پراںے یونان۔ روم تے انکا تے مایا دیاں رینگن تے اپنیاں آرٹ دیاں ریناں ایڑیاں ضرورتاں تے اپنے کوں وچ والیاں شیواں نوں بنایاں۔ آرٹ اودوں لکھائی دے بن نال ئرد۱ اے۔ لکھائی اپنے مذہب ویلے نوں تے ہمار دے کم نوں سکھا تے مین دین نوں یاد رکھن لئی بنی۔ لکھائی پھلے موران نال تے فیر وازراں نوں نشان دے کے تے اویتاں نوں جوزے تے بنائی جاندی اے۔

پراڻا عراق

پراڻے عراق دا آرٹ درجہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورت پھلے نوں اونچے یونگن والیاں اشورق، سمیرق، کالدف، رینگن وچ بنیا۔ ایہنوں دے آرکیٹیکچر وچ اٹھ ڈاٹ دا ورتن سی تے ایہدے نال کورٹے، مندر تے وکھریاں بدھراں والے برہم بنائے کتے۔ مصلان وچ وکھریاں بدھراں تے سونپے رکھ کالے گتے جیہڑے پراڻی دنیا دیاں 7 نوپکٹیاں شیواں وچوں سن۔ بنی بنان دا ول لکڑ توں چھل کے تے نشئی دہکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی، شکاری تے فوجی کھاتے انساناں تے جانورن نال بنائے جاندے سن۔ سمیرق ویلے وچ نکیاں بنیاں جہاں دے کثارت نکھی، رنگلے پتھر دیاں، گتے سرتے چھائیاں تے ہتھ سن۔ اکادی ویلے دیاں بنیاں دے سرتے وال لمحے تے دازیاں سن جویں نارام سین۔ عمورق ویلے دیاں بنیاں نوں کاکاش کڈیا وچ مسجیا جاسکد۱ اے جیدے چ کڈیا تے جادر سرتے نویں تے ہتھ چھائی تے رکھی نیں۔ اشتر ہوا جیہڑا بابل وے 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکیٹیکچر آرٹ دی وق نشانی اے تے ایہا کج حصہ پیگامون میوزیم، برٹن وچ ہے۔

گیول شیرینی 5000 ورت پراڻی کالم پتھر دی بنی اک مورتی اے۔ عراق وچ اہہ اودوں بنی جدوں پیہہ تے لکھن دا ول بننے گئے۔ کھنی عراق وچ اک وچ گول پیچہ وکیاں مہراں تے بنیاں موران کھانی ساندا اک نویکا ول سی۔ اہہ مہراں پتھر مٹی یا کسے پور شے دیاں وق بنیا یوسکدیاں سن۔ رات دی رانی عراق چوں لئی کوئی 3800 ورت پراڻی پتھر تے بنی عورت دیوہ دی بنی اے جیدے پیر پتجھی وچے دوالے پر سچے کھبے شیر تے الو نیں - کڈیا تے بنی 2۱44 – 2۱24 م پ ورت پراڻی اے۔ ار دا سٹینڈرڈ، کھڑے بگرق، تانبہ پلد تے گدھ دی یاٹکار پراڻے عراق دے آرٹ دیاں مٹیاں پرمٹیاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بنن نال پراڻے عراقی لکھتاں وچ وق اپنے آپ نوں دسدت نیں۔ لگگامش ۱7 صدی م پ وچ لکھی گئی ایہدے وچ سمیرق تے اکادی دیوتاواں دیاں کھائیاں نیں۔ انزاسب۔ اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ بڑ آن دی کھانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں مٹی پرمٹی لکھت الوٹما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنن دی کھانی دئی گئی اے۔

پراڻا مصر

ملکہ ہنقرہبتی

پراڻا مصرق آرٹ 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی یولی مصرق ریتل دی نشانی اے تے ایہدے وچ مورتاں، بنیاں، آرکیٹیکچر تے رلدیاں چیزاں آئدیاں نیں - اہہ مصری آرٹ پرائیاں قبرواں تے یاٹکاری نھاواں نوں لپیا تے اینج ایدھے وچ مرن مگروں جیون تے پراڻی چانکارے توں بچان تے زور اے۔ اہہ آرٹ 3000 م پ توں لے کے نیچی صدق تک تے اچیچے دوست تے نیسرت نبر ویلے وچ بنیا۔ 3000 ورت دے لکے ویلے وچ ایہا تے بابر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول نال اہہ نریا تے بنایا گیا اٹھ تک اچھ دا ای رہا۔ ایس ویلے دا مٹیا آرٹسٹ پیپلو پگاسو مصرق آرٹ نوں اثر کیند۱ اے۔

مصر اک سکا دیس ہون باجوں ایہجے بنیاں موران ٹھیکہ ملیاں نیں۔ مصر دیاں بنیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیاں جان والیاں رامسس II، اخناتون، ہنقرہبتی، اوسگورن II، امہوتپ III۔ منکار تے نتختامون نیں۔مصرق پاڈت پتھر توں لے کے مٹی نال بندتے سن تے اوہنے تے کالے یا رنگلے نقش بنے پوندتے سن۔ ایہناں وچ عام گر وچ ورتن دے پاڈت مرنیاں، کڑے نیں۔

مصرق مندراں، محلان، برماں، قہراں، تے پور کونھیاں نوں بٹان وچ اتہ، کالم پتھر، ریت پتھر تے گریٹائن ورتے ڳئے۔ لکڑ ٹھوڑی پون باجوں ایدا ورتن ٹھوڑا ات۔ خوف دا ابرام، ابوالھول، گرتاک، نکسر، ادفو دے مندر ایدت وڈت ادھارن ںیں۔ مصری لکھتاں تے مورتاں بٹان کئی پھیلاؤس ورگت سن۔ اہہ اک بولے لوں بنایا چاندا سی۔ ایدیاں شانداں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا پور کلاسیکی دنیا وچ وق ایدا ورتن سی پر پرتے پورنای رہیاں۔

پراڻا یونان

پراڻا یونانی آرٹ پتھار، آرکیجیکچر پانڈت تے مورتاں وچ دسد ات تے ایسی تے یورپ تے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈت ںیں۔ یونانی پانڈت پھریاں ویلہاں وچ پھریاں وگان تے نمونیاں وچ بندت سن۔ پانڈت چٹاں وچ مرتجاں تے پکھاں تے عام رنگی دیاں مورتاں بٹیاں بوندیاں سن۔ یونانی آرکیجیکچر اپنی شان، سانگی تے سونپ وچ اپنی ادھارن آپ ات۔ پیگامون، پارٹھین، ہیلسنس دا مندر ویکھن والیاں ٹھانواں ںیں۔ مالکو دی ونس، سیمولٹھریس دی ٹالیکے، یونانی پتھار دیاں ودیا ادھارن ںیں۔

گھٹی ایشیا،

گھٹی ایشا، وچ آرت دی ریت بڑے ریتل ٹوٹ ٹردی پوئی اج دت ویلے تک ایڑی اے۔ پانڈت بٹیاں آرکیجیکچر، مورتاں تے اہہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے۔ مہنچودازو دی تہذیق کڑے، پنڈت بادشاہ، مہراں چٹھاں تے پاتھی بند تے سواستیکا بنے پوئے سن، تے مٹی دے وڈت مرتجاں تے پانڈیاں تے مورتاں اوس ویلے دت آرت دا کھالہ ںیں۔بت بنانا بندو چین تے بدھ مت دی ریت رلی ات۔ اجنٹا دے غار پراڻی ہندستانی بتی دی اک ودیا ٹھان ات۔ بدو بڑاڑاں وریاں توں اپنے دیوق دیوتاواں ونشوشوا، لکشمی، گنیش، بنوعمان، اندرارام تے سرسوئی دیاں مورتاں تے بٹیاں بٹا کے مندرآں تے گراں وچ کھدت آئے ںیں۔ اتنے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دت آرکیجیکچر دی وڈق ٹھان سی۔ اہہ بٹیاں بدھ تے اودت جیون دت دوالے ںیں تے ویلے ٹال ایہماں دت بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وق دسد اے۔ مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسد اے۔ مغل راج ویلے دیاں مورتاں مغل بادشاہواں تے اویساں دت جیون دت دوالے اق بٹیاں ںیں۔ کاکڑہ راجپوت تے پنجاب مورتاں بنان دت مغلان مگروں پکھرت سکول سن۔ مورتاں دت ول لوں انگریزاں تے آگے اپنا رنگ وق چارےا۔ قطب مینار قلعہدین ایک دی جنت تے دی وچ بنایا گیا اک مینار ات۔آرکیجیکچر وچ پراڻے قلعیاں مندراں دت مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیجیکچر ہندستان دی پھچان بندا ات۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شالامار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیجیکچر دت کج نشان ںیں۔

اسلامی خطاطی

اسلامی خطاطی : ہہ ایک فن ہے۔ جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن۔ [1] اس فن کو اسلام سے جوڑدیاگیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ہے۔

اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ پونے میں کامیابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان یں میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذربے زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سراہی کئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بو لتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذربے، تکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا، قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کاتب حضرات یں ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا، عثمانیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ ’چلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ ہے۔ رقبہ رقبہ، ’رقع‘ خط کا ارتقا، ہوا۔

اشیا، خطاطی[ترمیم]

رواجی ملور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ، اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”برق“ یا ”بانی“ یا ”بسو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی ٹوک، حروفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف چنتے چوڑے، قلم کی ٹوک اتنی چوڑے۔

• دوات : دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد کمن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دت رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی[ترمیم]

اسلامی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر کندوں پر، اندرون کند پر قرآنی کلمات کا لکھا جاتا فن تعمیر۔فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

صارت بسم الله الرحمن الرحيم، اور الله – محمد سلی الله علیہ و آلہ وسلم ، مساجد میں لکھتا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جاتا بھی عام ہے

عربی زبان

عربی (العربية –arabiya- al یا عربي/ لغة عربية ‘arabi)، سامی زبانوں میں سب سے بڑک ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے۔ جدید عربی کلاسیکی عربی زبان(فصیح عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی ٹھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں نئی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے، فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مکہ اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں

متلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بو کتے والے ایک دوسرے کی بات بھولی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دالیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزه سمیت 29 حروف لہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔ (Arabic language)

حروف لہجی

حروف لہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھتے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتدا، کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد حوز حلی کلکن بعضی قرشت لخد نطق۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزه (ء) کو بھی ایک حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتہی حروف لہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزه سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ، پھ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ گوئی کی سلف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً پ‘ا کے اعداد ب‘ا کے برابر۔ د‘ کے اعداد د‘ کے برابر۔ گ‘ کے اعداد ک‘ کے برابر اور ت‘ کے اعداد ت‘ کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔